

هاچین و اچین

تصویرگر: ثنا حبیبی راد

بود و بود و بود

مصطفی رحماندوست

بود و بود و بود، یک لونه بود، با سه تا
موش، سه بچه موش بازیگوش.
اولی مثل بچه شیر، دوید به دنبال پنیر.
دومی مثل بچه گرگ، رفت سراغ
دیگ بزرگ.
سومی مثل پهلوان، رفت سراغ سفره‌ی نان.
نان و پنیر، دیگ پلو... گربه او مد میو میو...



هیچانه

افسانه شعبان نژاد

هاچین، و اچین، پاورچین
راه می‌ره همچی، همچین
راه می‌ره، پا نداره
کفشش صدا نداره
تلو تلو می‌خوره
داره پلو می‌خوره
قل می‌خوره تو باغچه
اسمش چیه؟
به ما چه!

اسمش چیه؟

اسدالله شعبانی



- اسمش چیه؟

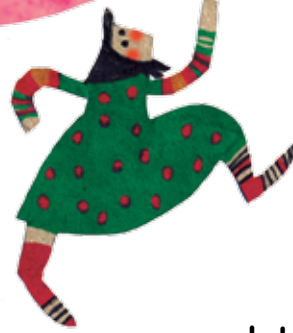
- کتابه

کتاب همیشه خوابه
کاشکی چشاش و ابشه
یه قصه پیدا بشه

- اسمش چیه؟

- ملافه

همسایه ی لحافه
شب می پیچه به پاهام
پاهام می شن کلافه



کلمه بازی

شکوه قاسم نیا

- بگو بستنی

- بستنی

- تو دوست خوب منی

- بگو هندونه

- هندونه

- مهمون اومد به خونه



بند انگشتی

جعفر ابراهیمی

کلاغه می گه قار قار
می گرده دنبال کار

کلاغه قار قار می کنه
تو باغ ما کار می کنه

کلاغه به قار قار افتاد
از روی دیوار افتاد

